

تاثیر خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت با تاکید بر مالکیت نهادی

محمد علی لطفی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد هریس، دانشگاه آزاد اسلامی، هریس، ایران.
lotfi_51@post.ir

چکیده

انحراف استراتژیک در شرکت‌ها به این مسئله اشاره دارد که استراتژی شرکت در فرایند یکپارچگی سازمانی از روند صنعت منحرف شده است. بسیاری از شرکت‌ها از روند اصلی صنعت خود جدا نیستند، این در حالی است که برخی از شرکت‌ها از این روند اصلی در فرایند ادغام صنعتی منحرف شده‌اند. این مقوله انحراف از روند اصلی صنعت را انحراف استراتژیک می‌نامند. هدف این پژوهش، بررسی تاثیر خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت با تاکید بر مالکیت نهادی می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ نتایج اجرا کاربردی بوده و از بعد روش‌شناسی همبستگی است. نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۲۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چند متغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت تاثیر مثبت و معناداری دارد، به عبارتی هرچه قدر خودشیفتگی مدیران بیشتر باشد، انحراف استراتژیک شرکت از صنعت بیشتر خواهد بود. همچنین مالکیت نهادی موجب تضعیف اثر خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت می‌شود.

واژگان کلیدی: خودشیفتگی، مالکیت نهادی، انحراف استراتژیک شرکت از صنعت.

مقدمه

تصمیمات مدیران سازمان و تفکرات آن‌ها نقشی سرنوشت ساز در پیشبرد اهداف سازمانی دارد. لذا شناسایی ویژگی‌های شخصیتی مدیران به ویژه خودشیفتگی که تصمیمات آن‌ها را متأثر می‌سازد و می‌تواند دلیل عدم شایستگی و بی‌کفایتی‌های مدیریتی در سطوح مختلف مدیریت و رهبری سازمان باشد، حایز اهمیت می‌باشد. در دهه‌های اخیر مباحث مربوط به خودشیفتگی مدیران در ادبیات مدیریت ظهور کرده و تأثیرات آن بر سبک مدیریتی مورد بحث قرار گرفته و افق‌های جدیدی را پیش روی محققان قرار داده است. از آنجا که مدیران عاملی کلیدی در جهت ارتقای عملکرد سازمان‌ها به شمار می‌آیند، تصمیماتی که آنها اتخاذ می‌کنند، در شکست یا موفقیت سازمان شان تأثیر گذار است. مدیران خودشیفته دارای سیستم‌های ارزشی و سبک‌های مدیریتی بزرگنما بوده و با تحسین شدن برانگیخته می‌شوند. شخصیت خودشیفته و خودمحور، برای اینکه بتواند به خواسته‌های خود برسد، از بقیه بهره‌کشی و آنها را استثمار می‌کند (اوگروندنیژوک، ۲۰۱۳). طبیعی است که وقتی تمام این ویژگیها در مدیر یک شرکت جمع می‌شود می‌تواند رفتارها

و به طبع آن ابعاد مختلف شرکت را تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین می توان انتظار داشت که عملکرد، سودآوری، کیفیت سود، استراتژی، میزان و درجه فرار یا اجتناب مالیاتی، نحوه سرمایه گذاری و بسیار از فاکتورهای دیگر در شرکت هایی که مدیرانی خود شیفته دارند در مقایسه با سایر شرکتها متفاوت باشد. هام و همکاران (۲۰۱۸)، بیان می کنند که خودشیفتگی در مدیران ارتباط معناداری با سرمایه گذاری بیش از اندازه در بخشهای مختلف به ویژه در بخش تحقیق و توسعه دارد. همچنین آنها بیان می -کنند که شرکت هایی که مدیران خودشیفته دارند، میزان بهره -وری مالی کمتری را تجربه خواهند کرد و عملکرد آنها در مقایسه با سایر شرکتها ضعیف تر است. چنین مدیرانی گاه روی تصمیمات غلط خود اصرار ورزیده و زمان و هزینه زیادی را صرف آن می نمایند که برای سازمان مشکل آفرین می شود و از آن جا که پیشرفت و عملکرد بهینه سازمانها نقش مهمی در توسعه ملی ایفا می کند، لذا در عصر رقابتی امروز، شناسایی میزان خودشیفتگی مدیران برای سازمانها و پیشگیری از آشفتگی سازمانها و کنترل آن جهت نیل به اهداف سازمانی حایز اهمیت است. استراتژی، جهت گیری کلی حرکت سازمان، از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب، در سطح ذهنی و مفهومی است. استراتژی کسب و کار عامل مهمی است که می توان از آن برای تقویت و بهبود سازمان استفاده کرد. به بیان دیگر، استراتژی کسب و کار نشان دهنده بخش بزرگی از اقتصاد سازمان است که باید به منظور کسب مزیت رقابتی در بازار، متمرکز بر بازاریابی باشد (عبدلویس و همکاران، ۲۰۲۰). در راستای یکپارچگی و تمرکز در صنعت، اغلب شرکتها، استراتژی مشابه و متداول در صنعت (روند متمرکز در صنعت) را دنبال می کنند، اما در محیط رقابتی امروز و با تمرکز بر پیچیدگی های کسب و کار، بسیاری از شرکتها مجبور به تغییر استراتژی های متعارف و سنتی خود هستند تا بتوانند دوام آورده و در اثر استفاده از استراتژی های عقب مانده، از بین نروند. بر این اساس، شرکت های زیادی ممکن است از روند حاکم در صنعت منحرف شده باشند. انحراف استراتژیک در شرکت ها به این مسئله اشاره دارد که استراتژی شرکت در فرایند یکپارچگی سازمانی از روند صنعت منحرف شده است. در نهایت، انحراف استراتژیک، ریسک تجاری شرکتها را تشدید و منجر به افزایش عدم اطمینان در عملکرد آنها می شود (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷). بسیاری از شرکتها از روند اصلی صنعت خود جدا نیستند، این در حالی است که برخی از شرکت ها از این روند اصلی در فرایند ادغام صنعتی منحرف شده اند. این مقوله انحراف از روند اصلی صنعت را انحراف استراتژیک می نامند. به هر حال، فرایند جست و جوی شرکتها برای انتخاب و پیگیری یک استراتژی متمایز، به ناچار پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؛ از یک سو، انحراف استراتژیک ممکن است مزیت رقابتی برای شرکت ها به همراه داشته باشد. و از سوی دیگر، شرکت های دارای انحراف استراتژیک، به دلیل نداشتن تجربه برای استفاده از استراتژی جدید و منحصر به فرد، ممکن است در طول اجرای استراتژی، با بسیاری از مشکلات غیرقابل پیش بینی مواجه شوند. به عبارتی، برخی از مدیران، به ویژه مدیران بلندپرواز، ممکن است به منظور دستیابی به عملکرد بهتر، استراتژی هایی را انتخاب و تدوین نمایند که منطبق و در راستای جهت گیری های عرف صنعت نبوده و این امر به نوبه خود ممکن است منجر به برد های بزرگ تر و یا زیان های فاجعه بار گردد. این مقاله به بررسی تاثیر خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت باتاکید بر مالکیت نهادی می پردازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در روانشناسی بالینی عمومی و روانپزشکی، خودشیفتگی به عنوان یک اختلال شخصیتی تعریف شده که یک ویژگی غیرقابل انعطاف و ثابت و شامل اغراق، خودبینی و میل به مورد تحسین واقع شدن است (ریجنسن بیل و کُمندیر، ۲۰۱۳). خودشیفتگی به عنوان تفاوت های فردی نسبتا پایدار که شامل بزرگ نمایی، عشق به خود، غرور و برجسته کردن خود تعریف می شود (کمپل و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین، دارای ویژگیهای چون: احساس عمیق و کاذب از اهمیت شخصی،

اشتغال ذهنی با تخیلات موفقیت، باور به اینکه فردی خاص یا بی همتاست، بهره کشی در روابط بین فردی، حسادت ورزیدن به دیگران و داشتن نگرش متکبرانه است. موضوع مالی رفتاری از دیرباز مورد توجه فعالان اقتصادی قرار داشته است. در دهه های اخیر در خصوص رفتار مدیران بر استراتژی های شرکت از سوی محققان و دانشگاہیان توجه قابل ملاحظه ای شده است. این موضوع جلوه ای از مالی رفتاری مدیران در شرکتها است. ریچاردی و سیمون (۲۰۰۰)، نظریه مالی رفتاری را به عنوان حوزه ای توصیف می کنند که تلاش می کند و توضیح می دهد که چگونه احساسات و اشتباهات ذهنی سرمایه گذاران و مدیران از طریق تصمیم گیری های مالی بر خودشان تاثیر می گذارد. در اصل، تحقیقات مالی رفتاری به مطالعه اثر عامل های روانشناختی و اجتماعی بر فعالیتهای مالی، عملکرد حرفه ای و تاثیر متعاقب آنها بر بازارهای مالی می پردازد. سوءگیری رفتاری مدیران باعث می شود تا عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی بیشتر تشدید شود. دو تئوری که نقش مهمی در تبیین خودشیفتگی دارند، تئوری خودشیفتگی آسیب شناختی کرنبرگ و تئوری روانشناسی خود کو هت' میباشند. در تئوری آسیب شناختی کرنبرگ، اختلالات شخصیت خودشیفته به تضاد ساختاری یا غریزی حول خشم ظاهری نسبت داده می شود (چترجی و همبریک، ۲۰۰۷). افراد با شخصیت های خودشیفته به استثنای ستایشی که از دیگران یا از خیالات عالی نمای خود دریافت می کنند، لذت کمی را در زندگی تجربه می کنند. وقتی این توجهات به تدریج کم می شود، آنها احساس ناراحتی و بی تابی می کنند. آنها گرایش به ایده آل کردن افرادی دارند که خواست آنها را برآورده کرده و آنها را تأیید می کنند و به تحقیر دیگر افراد می پردازند. این عالی نمایی در ساختار خود آسیب شناختی با کاهش ارزش دیگران و هم چنین تخریب آنها همراه است، به علاوه، انکاری از وابستگی طبیعی به دیگران در آنها دیده می شود. به طور خلاصه، کرنبرگ، منشأ آسیب شناسی را به احساسات خشم و محرومیتی که در پاسخ به کمبود والدینی ایجاد شده، نسبت داده است (استایلر، ۱۹۸۹). او خودشیفتگی را نتیجه انحراف از توسعه نرمال دانسته و اعتقاد داشت که ریشه رفتار خودشیفته ترس از دست دادن کنترل در روابط بین شخصی است و چنین افرادی کاملاً خود را از دیگران جدا می کنند و هنگام مواجه با فقدان کنترل در روابط بین شخصی خود خشمگین شده و به طور تهاجمی واکنش نشان می دهند. طبق نظرات او، مرکز خودشیفتگی، یک خود از هم گسیخته است، به حدی که فرد خودشیفته نمی تواند احساسات خود را تنظیم کند، لذا این مسأله بر سازمان نیز اثر گذاشته و هارمونی آن را به آشفتگی مبدل می سازد (هندین، ۲۰۰۱). در دنیای امروز، استراتژی باید در راستای افزایش و بهبود، توانمندی، رشد و بقای بلندمدت سازمان ها و کاهش ریسک عملیاتی آن ها باشد. برنامه های استراتژیک نیز در جهت انطباق و سازگاری سازمان ها با شرایط پیش روی آن ها، باید بر مبنای سیاست ها، اهداف، مأموریت ها، اندازه و پویایی بسیاری از شرکت ها از روند اصلی، سازمان و همچنین، میزان پیچیدگی و ساختار سازمان تعیین گردد (حسنابدی، ۲۰۱۹). باتوجه به اهمیت استراتژی شرکت و همچنین نقش انحراف استراتژیک در عملکرد شرکت، ضرورت دارد تا این موضوع به خوبی بررسی گردد. در اقتصاد رو به رشد فعلی، مدیران سرمایه گذار همواره به دنبال گزینه های مناسب سرمایه گذاری هستند تا بتوانند هم سود موردنظر را کسب کنند و هم در بلند مدت ثروت خود را افزایش دهند. استراتژی نقش هدایت کننده ای در توسعه شرکت ایفا می کند. استراتژی نقش اساسی در بقا و توسعه شرکتها ایفا می کند. تفاوت اصلی بین شرکت های با رشد بالا و شرکت های بدون رشد، استراتژی است، ممکن است منجر به رشد کند یا حتی رکود شود وقتی استراتژی ایده آل نباشد. به دلیل مقررات صنعت، نظرات برنامه ریزی و تقلیدها، یک استراتژی جریان اصلی صنعت وجود دارد. اگر استراتژی های شرکتها با استراتژی های جریان اصلی صنعت ناسازگار باشد، با خطرات بالایی (مانند اختلال در مشروعیت) مواجه می شوند، اما فشار رقابتی کمی دارند. آنها می توانند موقعیت های پیشرو را به دست آورند (پاول و دیماگیو، ۲۰۱۲). انحراف استراتژیک شرکتها می تواند به دو دلیل رشد شرکت را افزایش دهد. اول اینکه، شرکتها می توانند با افزایش انحراف استراتژیک، توجه و حمایت سرمایه گذاران بیشتری را جلب کنند. استراتژی های رایج

معمولاً عملکرد را محدود می‌کنند؛ شرکت‌هایی که با استراتژی‌های رایج صنعت سازگار هستند، نمی‌توانند توجه سرمایه‌گذاران را جلب کنند و در نتیجه با مشکلات مالی مواجه می‌شوند. با این حال، شرکت‌ها با افزایش انحراف استراتژیک، منحصر به فرد بودن خود را نشان می‌دهند؛ سرمایه‌گذاران ممکن است توجه و حمایت بیشتری نشان دهند، همانطور که دیدگاه مبتنی بر منابع اشاره کرد که منحصر به فرد بودن به جای تقلید، مزایای رقابتی را برای شرکت‌ها برای کسب منابع فراهم می‌کند (لیتو و همکاران، ۲۰۱۲). سرمایه‌گذاران نهادی، بازیگران اصلی بازارهای مالی هستند. از آنجا که نفوذ آنها در حاکمیت شرکتی در پی سیاست‌های خصوصی‌سازی پذیرفته شده به وسیله کشورهای مختلف افزایش یافته است، می‌توان به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاران نهادی در بسیاری از سامانه های حاکمیت شرکتی اهمیت زیادی دارند. مالکیت نهادی به عنوان درصد سهام آورده شده به وسیله سرمایه‌گذاران حقوقی تعریف می‌شود که نقش بااهمیتی را در راهبری فعالیت‌های مدیران ایفا می‌کند. سهامداران نهادی به آن بخش از سهامداران گفته می‌شود که به دنبال داشتن درصد بالای سهام با حق رأی شرکت؛ توانایی نفوذ، اثرگذاری و نظارت بر سیاست های مالی و عملیاتی شرکت را دارند. در سال‌های اخیر توجه به مالکان نهادی به عنوان یکی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی افزایش یافته است.

پیشینه پژوهش‌های خارجی

یوگانگ و خیووان (۲۰۲۴)، به بررسی مقایسه ای تاثیر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت بر رشد شرکت و سود شرکت های بورسی چین در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ پرداختند. نتایج نشان می دهد که انحراف استراتژیک شرکت تاثیر مثبتی بر رشد شرکت دارد. محیط نهادی، رابطه مثبت بین انحراف استراتژیک شرکت و رشد شرکت را تقویت می کند. رابطه بین انحراف استراتژیک شرکت و سود شرکت یک تابع U شکل است. و رابطه U شکل بین انحراف استراتژیک شرکتی و سود شرکت زمانی ضعیف تر می شود که شرکت ها در نهادهای توسعه یافته باشند.

نوانگ و همکاران (۲۰۲۳)، به بررسی تاثیر خودشیفتگی مدیر عامل، حاکمیت شرکتی، بحران مالی و اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. یافته هانشان داد خودشیفتگی مدیر عامل تأثیر منفی بر اجتناب از مالیات شرکت ها دارد. اندازه هیئت مدیره و مدیران عامل زن تأثیر مثبتی بر این استراتژی داشتند. اما بحران مالی بر این استراتژی تأثیر نمی گذارد. و همچنین اندازه شرکت، احتمال اینکه مدیران آن در اجتناب از مالیات شرکت کنند کمتر است.

آگنیهورتری و باتاچاریا (۲۰۲۱)، در پژوهش خود، ارتباط بین خودشیفتگی مدیرعامل و کوتاه بینی مدیریت را بررسی کردند. این مطالعه بیشتر به بررسی اثر واسطه ای اساسی بازارگرایی در این پیوند می پردازد. آنان با استفاده از داده های نمونه ای از ۲۱۰ شرکت هندی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ نشان دادند که خودشیفتگی مدیرعامل تأثیر مثبتی بر کوتاه بینی مدیریت دارد.

گاریساکاو همکاران (۲۰۲۱)، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا مدیران عامل خودشیفته، اجتناب از مالیات بیشتری دارند؟ آنان در مطالعه خود، نقش تعدیل کننده کمیته های حسابرسی داخلی را نیز در نظر گرفتند. نتایج نشان دادند که خودشیفتگی مدیرعامل با اجتناب از مالیات رابطه مثبت دارد. خودشیفتگی یک ویژگی شخصیتی محسوب می شود که باعث می شود مدیران عامل اجرایی استراتژی های اجتناب از مالیات را اجرا کنند. با این حال، این رفتار اختیاری توسط برخی از ویژگی های کمیته حسابرسی محدود شده است. به طور خاص، شرکت هایی که کمیته های حسابرسی بزرگتری دارند به کنترل عواقب خودشیفتگی مدیر عامل در اجتناب از مالیات کمک می کنند.

الملکی و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین خودشیفتگی، فرا اعتمادی مدیریت و قابلیت مقایسه صورتهای مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس پرداختند. فرضیه های تحقیق با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه بر

اساس تکنیک داده های ترکیبی مورد آزمایش قرار گرفته است. یافته ها نشان می دهد که خودشیفتگی مدیریتی به طور مثبت و معنی داری با قابلیت مقایسه صورت مالی در ایران ارتباط دارد. بوزویتینا و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی تاثیر فرا اعتمادی و خودشیفتگی مدیرعامل بر مسئولیت اجتماعی شرکتها با در نظر گرفتن حاکمیت شرکتی بعنوان متغیر تعدیل گر پرداختند. بدین منظور اطلاعات مربوط به ۲۳۶۰ شرکت بریتانیایی پذیرفته شده در بورس برای سال های ۲۰۱۰-۲۰۱۷، جمع آوری و تحلیل شد. نتایج تحقیق نشان داد که خودشیفتگی و فرا اعتمادی مدیرعامل بر مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبت می گذارد. علاوه بر این، سایر نتایج تحقیق نشان داد که اثر بخشی حاکمیت شرکتی، رفتار مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت را تعدیل می کند. اریکسن و آبو^۱ (۲۰۱۶)، در تحقیقی با عنوان خودشیفتگی مدیرعامل، ریسک پذیری و عملکرد شرکت به این نتیجه دست یافتند که رابطه خطی بین خودشیفتگی مدیرعامل و عملکرد شرکت و رابطه غیرخطی بین خودشیفتگی مدیرعامل شرکت و ریسک پذیری شرکت وجود دارد.

پیشینه پژوهش های داخلی

کابلی و همکاران (۱۴۰۴)، به بررسی خودشیفتگی مدیران، بنیان های اخلاقی و درک از مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت: ارائه الگو بر اساس معادلات ساختاری پرداختند. یافته های پژوهش نشان می دهد ویژگی شخصیتی خودشیفتگی بر تمام ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی تأثیر دارد، از سویی دیگر بنیانهای اخلاقی نیز بر درک مسئولیت پذیری اجتماعی اثر مستقیم و معنادار دارد. نتایج حاصل از این پژوهش به تأثیر اصول اخلاقی و ویژگی شخصیتی بر درک افراد نسبت به مسئولیت پذیری اجتماعی تأکید می کند و پیشنهاد می شود ضمن نظارت کافی بر رفتار مدیران در رعایت مسئولیت پذیری اجتماعی توسط سیاست گذاران و قانونگذاران از جمله مجامع عمومی صاحبان سهام شرکتها، در بکارگیری افراد در مناسب مدیریتی، ویژگیهای شخصیتی و اخلاقی هم در نظر گرفته شود.

فقه کریمی و همکاران (۱۴۰۳)، به بررسی تاثیر خودشیفتگی مدیران بر کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران: آزمون نظریه روانشناسی رفتارگرایی پرداختند. نتایج حاصل از بررسی فرضیه های تحقیق نشان داد خودشیفتگی مدیران تأثیر معناداری بر ابعاد مختلف کیفیت سود همچون پایداری، قابلیت پیش بینی، مربوط بودن و به موقع بودن سود شرکت دارد.

طاهری و قبادی (۱۴۰۲)، به بررسی تأثیر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت بر کیفیت حسابرسی و پیامدهای متعاقب آن پرداختند. نتایج نشان داد که انحراف استراتژیک بر کیفیت حسابرسی شرکت، تأثیر مستقیم دارد. به عبارتی، شرکت های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، به احتمال زیاد به انتخاب حسابرسان با کیفیت تمایل دارند. این موضوع نشان می دهد که شرکت های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، به احتمال زیادی به انتخاب حسابرسان با کیفیت اقدام کرده اند. از این رو، بر اساس نظریه نمایندگی، به نظر می رسد که بالا بودن میزان عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، شرکتها را به سمت انتخاب و به کارگیری حسابرسان با کیفیت سوق داده است.

اکبرلو و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیران و لحن خوش بینانه گزارشگری مالی: نقش تعدیلی مدیریت سود پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد، خودشیفتگی مدیران بر لحن خوش بینانه گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارتی مدیران خودشیفته به گزارش های مالی تنظیم یافته با لحن خوش بینانه، به چشم فرصتی برای فرونشاندن اشت های سیری ناپذیر خود برای ارتقاء شخصی خودشان نگاه می کنند.

¹ Eriksen & Aabo

مران جوری و علی خانی (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل کنندگی خودشیفتگی مدیران بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و افشای مسئولیت های اجتماعی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان که بین عدم اطمینان محیطی و افشای مسئولیت اجتماعی، رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین خودشیفتگی مدیران بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و افشای مسئولیت اجتماعی اثر مثبت دارد.

مشایخ و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر افشای اختیاری اطلاعات شرکت ها پرداختند. نتایج نشان داد که خودشیفتگی مدیران، بر افشای اختیاری اطلاعات شرکت ها تأثیر منفی و معناداری می گذارد. خصوصیت های شخصیتی مدیران خودشیفته، آنان را به انجام اقدام هایی بر خلاف عرف سوق می دهد و باعث می شود در پی توجه و ستایش دیگران باشند و این اقدام ها در نهایت، عملکرد سازمان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از این رو، تعصبات شخصی و توهم های مثبت مدیران خودشیفته، بر عرضه اطلاعات مالی به بورس اوراق بهادار تأثیر می گذارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع پژوهش های نظری کاربردی است. همچنین، این پژوهش از لحاظ ماهیت توصیفی همبستگی و از نوع پژوهش های پس رویدادی و مبتنی بر اطلاعات گذشته است که بر اساس اطلاعات مندرج در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی انجام می شود. برای آزمون فرضیه پژوهش از روش رگرسیون خطی چند گانه استفاده شد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

فرضیه های پژوهش

- ✓ فرضیه اول: خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت تأثیر دارد.
- ✓ فرضیه دوم: مالکیت نهادی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت را تعدیل می کند.

مدل های پژوهش

برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های رگرسیونی زیر استفاده شده است:

$$Sd_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Narc_{it} + \alpha_2 Size_{it} + \alpha_3 Lev_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$
$$Sd_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Narc_{it} + \alpha_2 InsOwn_{it} + \alpha_3 (Narc_{it} \times InsOwn_{it}) + \alpha_4 Size_{it} + \alpha_5 Lev_{it} + \alpha_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

Sd_{it} : انحراف استراتژیک، $Narc_{it}$: خودشیفتگی مدیران، $InsOwn_{it}$: سهامداران نهادی، $Size_{it}$: اندازه شرکت، Lev_{it} : اهرم مالی، ROA_{it} : بازده داراییها، ε_{it} : خطای رگرسیون.

متغیر وابسته

متغیر وابسته این تحقیق، انحراف استراتژیک می باشد. در این پژوهش، انحراف استراتژیک به پیروی از تانگ و همکاران (۲۰۱۱)، یوان و همکاران (۲۰۱۶)، و دونگ و همکاران (۲۰۲۱)، و مطابق با پژوهش مشایخی و همکاران (۱۳۹۷)، از مدل بومی شده و بر مبنای شاخص های تعدیل شده به شرح ذیل اندازه گیری می شود:

نخست چهار معیار شدت سرمایه (نسبت دارایی ثابت به کل فروش)، نوسازی اموال، تجهیزات و ماشین آلات (نسبت خالص دارایی ثابت به ناخالص دارایی ثابت)، کارایی سربار (نسبت هزینه های اداری و تشکیلاتی به کل فروش) و اهرم مالی (نسبت بدهی های بهره دار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام) محاسبه گردید. سپس، برای هر کدام از

معیارهای فوق الذکر در قالب سال -صنعت، نمره معیار یا استاندارد (کسرنمودن میانگین هر معیار از مقدار آن معیار و تقسیم نمودن عدد به دست آمده بر انحراف استاندارد آن معیار) برای تک تک شرکت های آن صنعت در سال موردنظر محاسبه شد. در نهایت، نمره انحراف استراتژیک برای تک تک شرکت های آن صنعت در سال موردنظر، از طریق میانگین قدرمطلق نمرات استاندارد شده چهار معیار مورد اشاره محاسبه شده است. هر چه معیار مذکور بیشتر باشد، نشان دهنده انحراف بالاتر استراتژی آن شرکت از استراتژی متداول در آن صنعت خواهد بود.

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش، خودشیفتگی مدیران است. در پژوهش حاضر، برای اندازه گیری خودشیفتگی از نسبت پاداش مدیران بر کل حقوق و دستمزد سالانه کارکنان استفاده می شود.

متغیر تعدیلگر

در تحقیق حاضر مالکیت نهادی به عنوان متغیر تعدیلگر در نظر گرفته شده است. که از رابطه زیر به دست می آید:

$$\text{مالکیت نهادی} = \frac{\text{تعداد سهام تحت تملک سهامداران نهادی}}{\text{تعداد کل سهام منتشر شده شرکت}}$$

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت در پایان سال.
اهرم مالی (Lev): از تقسیم کل بدهی ها بر کل دارایی ها محاسبه می شود.
بازده داراییها (ROA): برابر است با سودخالص بر جمع داراییهای شرکت.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ می باشد. برای انتخاب نمونه روش حذف سیستماتیک انتخاب شده و شرایط زیر لحاظ شده است:
۱. سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه بوده و در دوره مورد بررسی تغییری در آن ایجاد نشده باشد.
۲. اطلاعات مورد نیاز برای انجام پژوهش در طی دوره زمانی به طور کامل ارائه شده باشد.
۳. قبل از سال ۱۳۹۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
۴. جزو شرکت های سرمایه گذاری (هلدینگ) و واسطه گری مالی، بانک ها و بیمه نباشند.
۵. دارای وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نباشند.

جدول (۱): مراحل و نحوه انتخاب شرکت های نمونه

تعداد شرکت	شرح
۵۳۹	تعداد کل شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تا پایان سال ۱۴۰۳
۸۷	شرکت های سرمایه گذاری، بیمه، بانک ها و واسطه گری های مالی و مؤسسات تأمین مالی
۶۶	شرکت هایی که در طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۶-۱۴۰۳) تغییر سال مالی داده اند.
۱۰۵	شرکت هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه نیست.
۸۱	شرکت هایی که دارای وقفه معاملاتی بیش از سه ماه باشند.
۷۵	شرکت هایی که اطلاعات آنها قابل دسترس نبود.
(۴۱۴)	تعداد کل شرکت هایی که حذف شدند.

نمونه آماری	۱۲۵
-------------	-----

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آماره‌های توصیفی پژوهش که شمایی کلی از وضعیت داده‌های پژوهش ارائه می‌کنند، در جداول ۲ ارائه شده است:

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آماره متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
انحراف استراتژیک	۰/۷۵۱	۰/۶۹۸	۰/۲۷۷	۱/۵۲۴	۰/۳۳۶
مالکیت نهادی	۶۷/۱۳	۷۰/۸۴	۱۹/۷۶	۹۷/۵۵	۰/۰۰۰
خودشیفتگی	۰/۰۱۴	۰/۰۱۱	۰/۰۲۱	۰/۰۹۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۶۴۱	۰/۶۳۹	۰/۱۸	۱/۵۹	۰/۰۷۴
اندازه شرکت	۱۴/۳۲۶	۱۳/۸۷۹	۱/۴۰۱	۱۹/۵۲۲	۱۰/۴۷۵
بازده داراییها	۰/۰۷۷	۰/۰۶۹	۰/۱۲۸	۰/۶۵۴	-۰/۵۰۳

با توجه به جدول ۲، میانگین که اصلی‌ترین شاخص مرکزی و نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است، شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیرهای کنترلی اهرم مالی، اندازه شرکت و بازده داراییها به ترتیب برابر ۰/۶۴۱، ۱۴/۳۲۶ و ۰/۰۷۷ است.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول: خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت تاثیر دارد.

این فرضیه با استفاده از مدل اول پژوهش آزمون شده است. با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول ۳ و با توجه به آماره F بدست آمده (۱۱/۸۷۹) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) می‌توان ادعا کرد که در مجموع در سطح اطمینان ۹۵ درصد، الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۱/۸۵۶ است و در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی مانده‌های مدل وجود ندارد.

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه اول (متغیر وابسته: انحراف استراتژیک)

Sdit = $\alpha_0 + \alpha_1 \text{Narcit} + \alpha_2 \text{Sizeit} + \alpha_3 \text{Levit} + \alpha_4 \text{ROAit} + \epsilon \text{it}$					
آماره‌ها متغیرها	نماد	ضرایب رگرسیونی	خطای استاندارد	مقدار آماره T	سطح معناداری
خودشیفتگی	Narc	۰/۰۷۳۷۹	۰/۳۷۴۵۶	۲/۲۵۴۶۳۱	۰/۰۰۳۸
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۱۸۹۶۳	۰/۰۰۷۸۶۵	-۲/۱۹۲۵۶۴	۰/۰۰۶۵۷
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۰۳۹۸۱	۰/۰۰۱۶۲۸	۳/۲۴۷۸۹۶	۰/۰۱۷۸
بازده داراییها	ROA	-۰/۰۲۹۸۷۴۵	۰/۰۳۲۱۴۵	-۱۱/۸۹۷۴	۰/۰۰۰۰۰
عرض از مبدا	C	۰/۴۷۸۵۱۳	۰/۱۶۵۴۱۲	۵/۵۶۴۱۲۳	۰/۰۰۰۰۰
ضریب تعیین	ضریب تعیین	دوربین واتسون	آماره F	احتمال آماره F	

			تعدیل شده	
۰.۰۰۰۰	۱۱.۸۷۹	۱.۸۵۶	۰.۲۵	۰.۲۸

طبق عدد بدست آمده برای سطح معناداری متغیر خودشیفتگی مدیران (۰.۰۰۳۸) و ضریب مثبت ۰/۰۷۳ برای این متغیر می توان نتیجه گرفت که خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت تاثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه اول پژوهش تایید می شود. به عبارتی هرچقدر خودشیفتگی مدیران بیشتر باشد، انحراف استراتژیک شرکت از صنعت بیشتر خواهد بود.

نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه دوم: مالکیت نهادی تاثیر خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت را تعدیل می کند. با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول ۴ و با توجه به آماره F بدست آمده (۱۴/۷۵۶) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) می توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در مجموع الگوی پژوهش در مورد مدل فرضیه دوم از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۰/۲۲ است، می توان گفت، مجموع متغیر مستقل و کنترلی پژوهش ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند و نیز با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۱/۸۹۷ است و در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، می توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی مانده های مدل وجود ندارد.

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه دوم (متغیر وابسته: انحراف استراتژیک)

$\alpha_5 \text{Levit} + \text{Sdit} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Narcit} + \alpha_2 \text{InsOwnit} + \alpha_3 (\text{Narcit} \times \text{InsOwnit}) + \alpha_4 \text{Sizeit} + \alpha_6 \text{ROAit} + \text{eit}$					
آماره ها متغیر ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	خطای استاندارد	مقدار آماره T	سطح معناداری
خودشیفتگی	Narc	۲.۳۹۱۳۷	۰.۵۳۲۱۴۷	۳.۶۹۷۱۲۵	۰.۰۲۱
مالکیت نهادی	IO	-۵.۶۳۹۷۱	۱.۰۶۹۷۱	-۵.۰۲۳۴	۰.۰۳۲۹
خودشیفتگی * مالکیت نهادی	IO*Narc	-۲.۷۲۵۸۳	۰.۵۱۳۶۲	۷.۰۰۶۵	۰.۰۲۶۹۷
اندازه شرکت	SIZE	-۰.۶۹۳۵۴	۰.۳۱۷۴۸	-۲.۵۹۶۳۷	۰.۰۸۵۴
اهرم مالی	LEV	۰.۵۸۷۴۱	۰.۰۵۱۹۶	۱.۴۱۸۷۴	۰.۰۲۵۱
بازده داراییها	ROA	-۸.۰۰۲۱	۱.۰۴۹۸۷۵	-۱۴.۰۵۶۷	۰.۰۳۳۵
عرض از مبدا	C	۲.۲۴۵۶۳	۳.۱۵۰۶۱	۱.۳۹۰۲۵	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره F	احتمال آماره F	
۰.۲۶	۰.۲۲	۱.۸۹۷	۱۴.۷۵۶	۰.۰۰۰۰	

طبق نتایج ارائه شده در جدول ۴ سطح معناداری آماره t، برای متغیر مالکیت نهادی به عنوان تعدیل کننده تاثیر خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت (۰/۰۲۶۹)، حاکی از آن است که مالکیت نهادی اثری منفی و معنادار بر رابطه بین خودشیفتگی مدیران و استراتژیک شرکت از صنعت شرکت دارد، بنابراین فرضیه دوم پژوهش تایید می شود. به عبارتی مالکیت نهادی موجب تضعیف اثر خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت می شود.

بحث و نتیجه گیری

هدف شرکتها ایجاد ارزش برای سهامداران آن است. اگرچه سایر ذی نفعان نیز مهم هستند، ولی سهامدار اصلی ترین ذی نفع بوده و ایجاد ارزش برای او مهم ترین هدف به شمار می رود. برای ایجاد این ارزش شرکت باید مزیت رقابتی ایجاد کند تا از وجود عدم ثبات در بازاری که در آن فعالیت می کند استفاده کند، هم در محیط تجاری و هم در محیط مالی خود. استراتژی نقش هدایت کننده ای در توسعه ی سازمان ایفا می کند. در محیط رقابتی امروز و با تمرکز بر پیچیدگی های کسب و کار، بسیاری از شرکتها مجبوره تغییر استراتژی های متعارف و سنتی خود هستند تا بتوانند دوام آورده و در اثر استفاده از استراتژی های عقب مانده، از بین نروند. بر این اساس، شرکتهای زیادی ممکن است از روند حاکم در صنعت منحرف شده باشند. انحراف استراتژیک شرکتها نقش اساسی در بقا و توسعه شرکتها ایفا می کند. با توجه به آنچه که در این پژوهش ارائه شد، پژوهش حاضر، به بررسی تاثیر خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت باتاکید بر مالکیت نهادی پرداخته است. بر مبنای نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه های پژوهش، خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت تاثیر مثبت و معناداری دارد، به عبارتی هرچه قدر خودشیفتگی مدیران بیشتر باشد، انحراف استراتژیک شرکت از صنعت بیشتر خواهد بود. همچنین مالکیت نهادی اثری منفی و معنادار بر رابطه بین خودشیفتگی مدیران و انحراف استراتژیک شرکت از صنعت دارد، به عبارتی مالکیت نهادی موجب تضعیف اثر خودشیفتگی مدیران بر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت می شود. بادر نظر گرفتن نتایج پژوهش، به سرمایه گذاران و بویژه سهامداران عمده پیشنهاد می شود با انتخاب نماینده ای در هیات مدیره، کنترل و نظارت فعالانه بر تصمیمات مدیریت از عوامل رفتاری همچون خودشیفتگی داشته و موجب جلوگیری از به خطر افتادن شرکت شوند. حدی از خودشیفتگی در مدیران مناسب است؛ ولی ممکن است دچار خشم و خودنمایی شوند و این زیاده روی به ویرانی شرکت منجر می شود. علت وجود این رابطه بین متغیرها ممکن است این باشد که مدیران خودشیفته اعتقاد دارند افراد ویژه ای هستند و خود را با مدیران مشهور مقایسه می کنند. علاوه بر این، این اعتقاد در آنها وجود دارد که تصمیم های اشتباه نمی گیرند و توانایی همدلی و مشورت با دیگران را ندارند؛ به عبارت دیگر، وجود ویژگی خودرأیی در بین مدیران خودشیفته موجب می شود به نظرات دیگران مبنی بر بحرانی شدن اوضاع شرکت توجه نکنند و موجب افزایش بدهیها و سرمایه گذاری در پروژه هایی با ارزش منفی شوند و در نتیجه، شرکت دچار خطرات آتی شود. به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می شود با الزام به شفاف سازی فرایندها و روابط شرکت ها از یکسو و پوشش مطبوعاتی از سویی دیگر، بکوشند این سویه های رفتاری را تا حد مطلوب کاهش دهند. پوشش مطبوعاتی بر شهرت مدیران از نگاه جامعه، تأثیر بسیاری می گذارد و وجهه عمومی مدیران شرکت را تشکیل می دهد و از این طریق، هنجارهای اجتماعی شکل می گیرد و مدیران را از تصمیم های نابهنجار باز می دارد.

منابع

- ✓ بنی مهد، بهمن، عربی، مهدی، حسن پور، شیوا، (۱۳۹۵)، پژوهش های تجربی و روش شناسی در حسابداری، تهران: انتشارات ترمه، صص ۱۲-۲۴.
- ✓ طاهری، ماندانا، قبادی اسکی، سینا، (۱۴۰۲)، تأثیر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت بر کیفیت حسابرسی و پیامدهای متعاقب آن، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۳۰، شماره ۳، صص ۵۰۶-۵۳۱.
- ✓ فقه کریمی، شهریار، اوحدی، فریدون، نیکومرام، هاشم، رویایی، رمضانعلی، (۱۴۰۳)، تأثیر خودشیفتگی مدیران بر کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران: آزمون نظریه روانشناسی رفتارگرایی، دانش

- حسابداری و حسابرسي مدیریت، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۲۹۵-۳۰۸.
- ✓ کابلی، رضا، بنی مهد، بهمن، محمدی، عطاءاله، (۱۴۰۴)، خودشیفتگی مدیران، بنیان های اخلاقی و درک از مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت: ارائه الگو بر اساس معادلات ساختاری، دانش حسابداری و حسابرسي مدیریت، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۱۹-۳۵.
- ✓ مران جوری، مهدی، علی خانی، راضیه، (۱۳۹۹)، نقش تعدیل کنندگی خودشیفتگی مدیران بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و افشای مسئولیت های اجتماعی، دانش حسابداری و حسابرسي مدیریت، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۲۶۳-۲۷۲.
- ✓ مشایخی، بیتا، عمرانی، حامد، آخوندی، امید، (۱۳۹۷)، تخصص شریک حسابرسي در صنعت و کیفیت حسابرسي: نقش استراتژی های صاحبکار، پژوهشهای تجربی حسابداری، دوره ۸، شماره ۴، صص ۱۰۵-۱۲۶.
- ✓ مشایخ، شهناز، حبیب زاده، ملیحه، حسن زاده، محمود، (۱۳۹۹)، تأثیر خودشیفتگی مدیران بر افشای اختیاری اطلاعات شرکت ها، بررسی های حسابداری و حسابرسي، دوره ۲۷، شماره ۴، صص ۶۴۹-۶۷۱.
- ✓ Abdulwase, R., Ahmed, F., Nasr, F., Abdulwase, A., Alyousofi, A. & Yan, S. (2020). The role of business strategy to create a competitive advantage in the organization. Open Access J Sci, 4(4), 135-138.
- ✓ Agnihotria, A; Bhattacharya, S. (2021). CEO narcissism and myopic management, Industrial Marketing Management, 7(3):145-158.
- ✓ Almaleki, M., Salehi, M., & Moradi, M. (2021). The relationship between narcissism, managerial overconfidence and comparability of financial statements of listed companies. Journal of Facilities Management.
- ✓ Bouzoutina, A., Khairredine, M., & Jarboui, A. (2021). Do CEO overconfidence and narcissism affect corporate social responsibility in the UK listed companies? The moderating role of corporate governance. Society and Business Review.
- ✓ Campbell, W.K., B.J. Hoffman, S.M. Campbell, and G. Marchisio (2011). Narcissism in Organizational Contexts. Human Resource Management Review, 21 (4): 268-284.
- ✓ Chatterjee, A. and D.C. Hambrick. (2007). It's All about Me: Narcissistic Chief Executive Officers and Their Effects on Company Strategy and Performance, Administrative Science Quarterly, 52, 351-386.
- ✓ Dong, X., Gao, J., Sun, S. L., & Ye, K. (2021). Doing extreme by doing good. Asia Pacific Journal of Management, 38, 291-315.
- ✓ Eriksen, N, B. , Aabo, T. (2016). CEO narcissism, corporate risk-taking and performance. [http://pure.au.dk/portal-asbstudent/da/studentprojects/ceo-narcissism-corporate-risktaking-and-performance\(1a7ea363-0174-4a04-ae06-97fa295390cc\).html](http://pure.au.dk/portal-asbstudent/da/studentprojects/ceo-narcissism-corporate-risktaking-and-performance(1a7ea363-0174-4a04-ae06-97fa295390cc).html).
- ✓ Ham, C., Seybert, N., & Wang, S. (2018). Narcissism is a bad sign: CEO signature size, investment, and performance. Review of Accounting Studies, 23(1), 234-264.
- ✓ Hassanabadi, M. (2019). Strategic Thinking, Organizational Foresight, and Strategic Planning in High-tech SMEs in the UK. Bangor University (United Kingdom).
- ✓ Litov, L. P., Moreton, P., & Zenger, T. R. (2012). Corporate strategy, analyst coverage, and the uniqueness paradox. Management Science, 58(10), 1797-1815.
- ✓ Nawang ,K., Muhamad ,T , Lia ,U, Dadan, R. (2023). CEO narcissism, corporate governance, financial distress, and company size on corporate tax avoidance, ACCOUNTING, CORPORATE GOVERNANCE & BUSINESS ETHICS | RESEARCH ARTICLE, 23), 10: 2167550 <https://doi.org/10.1080/23311975.2023.2167550.1-22>.
- ✓ Ogrodniczuk, J. S. (2013). Understanding and treating pathological narcissism. Washington, DC, US: American Psychological Association.
- ✓ Powell, W. W., & DiMaggio, P. J. (2012). The new institutionalism in organizational

- analysis. University of Chicago press.
- ✓ Rijsenbilt, A., & Commandeur, H. (2013). Narcissus enters the courtroom: CEO narcissism and fraud. *Journal of Business Ethics*, 117(2), 413.
 - ✓ Tang, J., Crossan, M. & Rowe, W. G. (2011). Dominant CEO, deviant strategy, and extreme performance: The moderating role of a powerful board. *Journal of Management Studies*, 48(7), 1479-1503.
 - ✓ Wang, H. C., Zhang, X.P., Hou, C.R. & Li, X.Y. (2017). Corporate strategic deviance and equity capital costs: A research on the mediating effect based on operational risk and information asymmetry. *Chinese Soft Science*, (09), 99-113.
 - ✓ Yuan, R., Cheng, Y. & Ye, K. (2016). Auditor industry specialization and discretionary accruals: the role of client strategy. *The International Journal of Accounting*, 51(2), 217-239.
 - ✓ Yugang, Li , Xiuyuan, F.(2024). Comparing the Effects of Corporate Strategic Deviance on Corporate Growth and Corporate Profit: Evidence from Chinese Firms.